

## دکترین و سیاست‌های دفاعی امنیتی در صحیفه سجادیه

نویسنده: دکتر بهرام اخوان کاظمی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱۰/۳۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۶/۱۱/۲۸

صفحات مقاله: ۱۱۹-۱۵۲

### چکیده

با توجه به اهمیت دینی و سیاسی مفهوم گران سنگ امنیت، این نوشتار بررسی این مفهوم و آموزه‌های دفاعی - امنیتی را در آرای امام چهارم (ع) وجه همت قرار داده است. بر مبنای مستندات این پژوهش، این فرضیه اثبات می‌گردد که صحیفه و مصحف شریف سجادیه، به‌ویژه دعای بیست و هفتم آن، شامل دکترین و آموزه‌های دفاعی - امنیتی بسیار منسجم و کم‌نظیری است که توسط امام سجاد، با رویکرد ظلم‌ستیزانه و در عین عدم تأیید حکومت‌های جائر وقت، و به‌خاطر حفظ اسلام و مصالح امت اسلامی و مقابله با تهدیدات و تهاجمات بیگانگان طراحی و اندیشیده شد و به قطعیت نیز می‌توان در حال حاضر نیز بدین آموزه‌ها اتکا و استناد نمود.

\* \* \* \* \*

### کلید واژگان

اسلام، امام سجاد (ع)، صحیفه سجادیه، دکترین (آموزه) سیاست‌های دفاعی،

امنیت، جنگ، مرزبانی، نیروهای نظامی

## مقدمه

بر کسی پوشیده نیست که تبیین اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی معصومین(ع) از اهمیت بسیار والایی برخوردار است، اما به نظر می‌رسد که این اهمیت و ضرورت چنین اقدامی در نزد بعضی از معصومین همانند امام زین‌العابدین<sup>(۱)</sup> بیش از سایرین است و یکی از دلایل پرداختن به این مقوله، تصورات غلطی است که از امام چهارم(ع) در ذهن و افواه عامه وجود دارد تصوراتی دال بر این که امام فردی بوده که بخش زیادی از عمر شریف خود را به بیماری گذرانده و به غیر از قلمروی دعا و مناجات به عرصه دیگری وارد نشده است! در راستای رد چنین توهماتی مقاله حاضر تلاش می‌کند تا آموزه‌های دفاعی و امنیتی ایشان را - آن‌هم در عصر حکومت‌های جائر و متغلب و شرایط حاد و بحرانی معاصر حیات حضرت - بررسی کند.

شایان ذکر است که امنیت از مفاهیم بسیار با اهمیت و متطوری است که در گذشته و حال در حیات دینی، فکری، سیاسی، و اجتماعی کلیه جوامع مطرح بوده، ضمن آن که صدها بار با مشتقات و اژه‌ای خویش در کلام الهی و به کرات در سایر منابع اسلامی هم بدان اشارت رفته و با توجه به اهمیت سیاسی و دینی این مفهوم گرانسنگ، این نوشتار بررسی آن را در آراء امام، وجه همت خود قرار داده است.

**پرسش اصلی این تحقیق - که نگارنده سعی در پاسخ به آن دارد - چنین است:**

«آیا در صحیفه سجادیه می‌توان به دیدگاه‌ها و آموزه‌هایی پیرامون مسائل دفاعی - امنیتی دست یازید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، آیا این آموزه‌ها از انسجام، ارزش و اهمیتی والا برخوردار است؟»

در این راستا برخی پرسش‌های فرعی و از جمله موارد زیر قابل طرح می‌باشد:

۱ - آیا طراحی فکری و راهبردسازی دفاعی - امنیتی امام سجاد (ع) برای مرزداران اسلامی به معنای همراهی با حکومت‌های جائر وقت بوده است؟ اگر چنین نیست، هدف امام از ارائه این راهبردها و راه‌کارها چه‌گونه قابل توجیه است؟

۲ - امنیت در منابع اسلامی از چه جایگاهی برخوردار است؟ و علل پیدایی و پایایی شرایط ناامنی عصر معصومین در چه اموری نهفته است؟

۳ - آیا بین شرایط حاد، بحرانی و ناامن زمان امام سجاد (ع) و نظریه‌پردازی وی در باب سیاست‌های دفاعی و امنیتی ارتباط وجود دارد؟ این وضعیت چه ویژگی‌هایی داشته است؟

فرضیه یا مدعای این پژوهش را به این‌گونه می‌توان ترسیم کرد:

«صحیفه سجادیه شامل دکترین<sup>(۲)</sup> و آموزه‌های دفاعی - امنیتی بسیار منسجم و کم‌نظیری است که توسط امام سجاد، با رویکردی ظلم‌ستیزانه و در عین عدم تأیید حکومت‌های جائر وقت، به‌خاطر حفظ اساس اسلام و مصالح امت اسلامی و مقابله با تهدیدات و تهاجمات بیگانگان، طراحی و اندیشیده شده و می‌توان در حال حاضر نیز بدان اتکا و استناد نمود.»

#### بهره نخست - علل پیدایی و پایایی ناامنی، به‌ویژه در عصر معصومین

ظهور اسلام در عصر جاهلی و حرکت عظیم تمدن‌ساز پیامبر اکرم (ص) در طول بیست‌وسه سال مجاهدات ایشان اصلاحات و ترقیات اساسی در عصر و اجتماع آن روز پدید آورد، ولی متأسفانه باید اذعان داشت که در تمام این مدت، عناصر منحط و فرصت‌طلب و مرتجع با مقاومت فعالانه در برابر این جنبش، به‌دنبال زنده کردن ریشه‌های جاهلیت، شرک و اشرافیت پیشین بودند. این باندهای سیاسی - اقتصادی فاسد یا در ساختارهای جدید حل و هضم نشدند یا این‌که فریبکارانه خود را جزو گروندگان و مؤمنان به اسلام جای زدند. این

حرکت‌های منافقانه و ریاکارانه، همواره مایه نگرانی پیامبر (ص) بود. با ارتحال آن رهبر الهی، ریشه‌ها و حرکت‌های گذشته جاهلی دوباره سربرآورد و انقلاب و نهضت انسان‌ساز و معنوی نبوی را کند یا منحرف ساخت. برخی نمونه‌های مهم این انحراف عبارتند از: به شهادت رساندن سه امام نخستین تشیع و بروز فاجعه کربلا، به ترتیب در سال‌های ۴۰، ۴۹ و ۶۱ هجری که بزرگ‌ترین خسارت‌ها را به عالم اسلامی وارد ساخت.

با تبدیل شدن خلافت به ملوکیت و تبعات منفی آن و افزایش گمراهی و هواپرستی و هوس‌زدگی بر اثر سیاست‌های حاکمان، امامان معصوم (ع) کم‌کم یآوری مردمی را از دست دادند و در جوی پر از بی‌عدالتی و ناامنی و خفقان، در نهایت مظلومیت به شهادت رسیدند. به یقین می‌توان خودکامگی و زورمداری را به‌عنوان بزرگ‌ترین عامل تحریف و گسترش جو ناامنی فیزیکی و روانی در جهان اسلام به‌شمار آورد. این واقعیت دارد که بخش گسترده‌ای از تاریخ نظام‌های سیاسی به نظام‌های خودکامه اختصاص دارد، حکومت‌هایی که شیوه اعمال قدرتشان مبتنی بر زور و چیرگی خشونت‌آمیز و اجبار بوده و به‌دلیل بی‌عدالتی، نامشروع بوده‌اند. چنین حکومت‌هایی مجبور بوده‌اند برای مشروع و موجه نشان دادن خود، به تحریف دین، مفهوم عدالت و حذف مصادیق و اسوه‌های معصومان (ع) پردازند و در عمل نیز در هدف خویش تا پیش از عصر ظهور، به توفیق دست یافتند. اینان به نفع امنیت کاذب در سایه شمشیر، عدالت آرمانی را مسخ کردند و عقب راندند. در سایه چنین خفقانی، ائمه یازده‌گانه را به شهادت رسانده و بسیاری از منادیان حق و رهروان آن‌ها را شهید، شکنجه و تبعید نمودند یا این‌که با افترا و تهمت و ناسزا آنان را از میدان به در کردند.<sup>(۳)</sup>

از سوی دیگر، یکی از عوامل پدیدآورنده‌ی ناامنی در جهان اسلام، تهدیدها و حملات پی در پی علیه این دین بوده است. اسلام در طول تاریخ، پیوسته درگیر معارضات و مخالفان سرسخت و کینه‌توز داخلی و خارجی بوده است. این

درگیری و منازعه از گذشته تاکنون به‌طور مداوم وجود داشته است. موقعیت جغرافیایی دارالاسلام از همان ابتدای ظهور و گسترش، به‌گونه‌ای بود که آن را در معرض تاخت و تاز و حملات پی‌در پی و سهمگین قرار می‌دهد. حملاتی چون تهاجم مغول‌ها، جنگ‌های تحمیلی صلیبی، هجوم گسترده و همه‌جانبه استعمار غربی به جهان اسلام و اشغال مستقیم بلاد اسلامی (قرن ۱۹ م / ۱۳ هـ) از جمله مواردی بود که تثبیت ناامنی، ایجاد رکود اقتصادی - اجتماعی، تخریب بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی و به‌طور کلی انحطاط داخلی مشرق و جهان اسلام را به دنبال داشت و تأثیرات منفی و عقب‌نگه‌دارنده آن‌ها تا به امروز نیز باقی است.

#### بهره دوم - دوره متلاطم، بحرانی و سرشار از ناامنی عصر امام چهارم

امام علی بن الحسین بنا به معروف در سال ۳۸ هجری دیده به جهان گشود و در سال ۹۴ هجری با زهری که به دستور هشام بن عبدالملک به او خوراندند مسموم و به شهادت رسید. دوران خردسالی و نوجوانی او با حکومت معاویه، آشفته‌گی و سپس اختناق عراق، و بحران‌های حجاز، در هم ریختن سنت و پدید آمدن بدعت مصادف بوده است. امام (ع) قریب به سه سال از خلافت علی (ع) و شش ماه از خلافت امام حسن (ع) و سپس شهادت ایشان را درک کرد.<sup>(۴)</sup>

پس از واقعه جانکاه عاشورای سال ۶۱ هجری و شهادت حسین بن علی (ع)، مسئولیت زمامداری مسلمانان و امامت امت از جانب خدا به او واگذار شد و امام در دوره پرتلاطم حیات خویش با خلفای جائر و سفاکان متغلب کم نظیری مانند یزید بن معاویه، عبدالله بن زبیر، معاویه بن یزید، مروان بن حکم، عبدالملک بن مروان بن حکم و ولید بن عبدالملک معاصر بود. بسیاری از سیره‌شناسان معصومین (ع)، دوره امامت حضرت سجاد را مصادف با یکی پرمحنت‌ترین و سیاه‌ترین دورانی دانسته‌اند که بر یکی از اهل بیت گذشته

است<sup>(۵)</sup> و در این دوره جو اختناق، ناامنی و سفاکی نسبت به امام و شیعیان و انحراف از سیره نبوی و علوی به اوج خود رسید. زمامداران بدون پنهان‌کاری‌های قبلی، آشکارا سیاست‌های پلید غیراسلامی و انسانی خود را با بازگشت مفتخرانه به رفتارهای عصر جاهلی و قبیله‌ای دنبال می‌کردند و با مخالفین خود به وحشیانه‌ترین شکل برخورد می‌نمودند.

امام سجاد (ع) همانند اجداد طاهرینش در مقابله با نظام‌های سیاسی جائر از مجاهدت و سیره مبارزاتی درخشانی برخوردار بوده است و قدمی از مقابله با آنان عقب ننشست. در کنار این سیره مبارزاتی و ادامه خط سرخ شهادت‌طلبی حسینی و تلاش بی‌امان در ایستادگی در برابر انحراف حکومت‌ها و توده‌های نادان از اسلام ناب نبوی و علوی، امام سعی نمود به تنویر اذهان عمومی در این‌باره پرداخته و احساس گناه و ندامت از سست‌عنصری و فقدان ایستادگی ایشان را در راه حق، در آنان ایجاد نماید. در همین راستا، حضرت به تربیت شاگردان بسیار مبرز و ناموری پرداخت که عدد آن‌ها از یکصد و هفتاد تن افزون است. اما بدیهی است که در جو خفقان آن روز، پیمودن چنین مسیری و دنبال کردن این اهداف عالی به سادگی میسر نبود و در واقع حضرت با راهبردهایی مانند نوشتن کتاب صحیفه سجادیه و آن هم در قالب پنجاه و چهار فقره دعا و مضامین عرفانی، مقاصد سیاسی، اجتماعی و مبارزاتی خود را تا جای ممکن بیان فرموده است و حتی در قالب دعا به مسلمانان درس قیام می‌دهد، هم‌چنان که در دعای بیستم این مصحف می‌فرماید:

”خداوندا، به من دست و نیرویی ده تا بتوانم بر کسانی که به من ستم می‌کنند پیروز شوم و زبانی عنایت فرما که در مقام احتجاج بر آنان غلبه کنم و فکر و اندیشه‌ای عنایت فرما که حیلۀ دشمن را در هم شکنم و دست ظالم را از تعدی و تجاوز کوتاه سازم.“<sup>(۶)</sup>

خطابه‌های آتشین امام سجاد (ع) پس از واقعه عاشورا از بهترین شواهد

ظلم‌ستیزی بی‌امان حضرت است. پس از این فاجعه که امام به‌صورت اسیر با کاروان اسرا به کوفه و آن‌گاه به شام منتقل شد، در جمع اجتماعات مردمی این مسیر به شدیدترین انتقادهای زمامداران جائر وقت و مسببان واقعه کربلا پرداخت تا جایی که در مجلس عبیدالله زیاد - امیر کوفه - پس از گفت‌وگوی مفصلی که غضب و خشم شدید عبیدالله را موجب شد، به قتل تهدید گردید، و امام در پاسخ او فرمود:

”آیا مرا با کشتن می‌ترسانی و نمی‌دانی که کشته شدن برای ما یک کار عادی است و شهادت برای ما کرامت و فضیلت است.“<sup>(۷)</sup>

هم‌چنین امام در گفت‌وگویی با یزید در یک مجلس رسمی نیز تهدید به قتل گشت؛ آن‌جا که حضرت در پاسخ او فرمود:

”هیچ‌گاه آزادشدگانی مانند بنی‌امیه نمی‌توانند حکم قتل انبیا «و اوصیا» را صادر کنند مگر از اسلام خارج شوند و اگر چنین تصمیمی داری، مرد مطمئنی را حاضر کن تا وصیت کنم و همراهی حرم را به او بسپارم.“<sup>(۸)</sup>

بنابراین، امام در پاسخ هرگز از یزید درخواست عفو نکرد، بلکه با ابراز آمادگی برای شهادت، درخواست نمود که فرد امینی را برای رساندن کاروان اسرا به مدینه معین کنند. ضمن آن‌که امام در خلال خطابه آتشین خود در مسجد شام، و در حضور آحاد مردم، نقاب از ماهیت و چهره پلید خاندان اموی برگرفت تا جایی که یزید و اطرافیان وی از بیانات امام و وضع مجلس، به‌شدت بیمناک گشته و مسجد را ترک کردند.

از سوی دیگر، به‌دلیل حکومت جائرانه و دین‌ستیزانه خلفای نالایق اموی، فتنه‌ها و شورش‌های بی‌شماری در عصر امام سجاد (ع) علیه حکومت‌های وقت رخ داد و به‌ویژه در دوره یزید این شورش‌ها و از جمله شورش مردم مدینه - در واقعه حره - به‌شدت سرکوب شد و طی این واقعه به‌مدت سه روز، جان و مال

مردم مدینه برای لشکریان یزید به فرماندهی مسلم بن عقبه مباح شمرده شد و این فاجعه قتل و عام را باید یکی از اسفناک‌ترین حوادث تاریخ اسلام به‌شمار آورد. هم‌چنان که طی حمله سپاهیان یزید به فرماندهی حسین بن نمیر، و جهت سرکوبی پسر زبیر، حسین مکه را محاصره و شهر را زیر پرتاب سنگ‌های منجیق‌ها قرارداد و در این گیرودار خانه کعبه تخریب و به آتش کشیده شد.

هم‌چنین در عصر معاویه بن یزید، شام نیز از آشوب برکنار نماند و گرفتار ستیزه‌های قبیله‌ای و هم‌چشمی‌های «قیسی»ها و «کلبی»ها گردید. از سوی دیگر، در این دوره پرتلاطم باید از قیام مختار پسر ابوعبیده ثقفی - به خون‌خواهی امام حسین (ع) - یاد کرد که اصلی‌ترین جنایتکاران فاجعه کربلا را به‌سزایشان رسانید. به هر حال، عصر مزبور و به‌خصوص سال‌های ۶۶ تا ۷۵ هجری برای حجاز، عراق و شام سال‌های محنت و آشوب بود و آنچه وضعیت و ناامنی را حادثتر و بحرانی‌تر می‌کرد این مسأله بود که بلاد اسلامی از سوی قدرت‌های بزرگ آن زمان همانند امپراتوری روم تهدید یا در معرض تهدید قرار داشت و بدیهی است که چنین وضعیتی ایجاب نماید که امام سجاد (ع) در باب موضوع با اهمیت امنیت و مسائل دفاعی و حفظ مرزهای اسلامی در صحیفه خود سخن رانده و آموزه‌های خویش را در این باره عرضه بدارد.

باید خاطر نشان نمود که آن حضرت همانند سیره جدش امام علی (ع)، در عین ابراز تنفر از زمامداران متغلب اموی، از هدایت و راهنمایی آنان، به‌خصوص آن‌جا که اساس اسلام مطرح بود کوتاهی نمی‌کرد و در واقع ارائه آموزه‌های دفاعی و امنیتی در مقابل بیگانگان نامسلمان که از خارج مرزها چشم طمع به بلاد اسلامی دوخته بودند از این باب بوده است.

#### بهره سوم - مفهوم و جایگاه امنیت در منابع اسلامی

امنیت از مقوله‌های اساسی است که وجود آن در تمام ابعاد زندگی بشری به



گونه‌ای قابل لمس و مؤثر احساس می‌شود و از دیرباز تاکنون در حیات انسانی منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوان شده است. ریشه لغوی این واژه از ثلاثی مجرد «امن»، و با مشتقاتی مانند «ایمان»، «ایمنی» و «استیمان» است. این واژه را به مفهوم اطمینان و آرامش در برابر خوف تفسیر، تعریف و ترجمه کرده‌اند که تا حدود زیادی به واقعیت نزدیک است و شامل دو بعد ایجابی و سلبی در تعریف امنیت می‌شود. از یک سو اطمینان، آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی - که موجب سلب آرامش و اطمینان می‌گردند - از کاربردهای دیگر این واژه است. هم‌چنین امنیت از موضوعات بسیار مهمی است که در قرآن و روایات به گستردگی آن اشاره شده است. صورت فارسی و عربی این کلمه به اشکال «امنیت» و «امنیه» در متون اسلامی موجود نیست و بیش‌تر توجه به این موضوع با عبارات و مشتقاتی از ثلاثی مجرد «امن» صورت پذیرفته است.

در مجموع، از ریشه یا کلمه «امن»، ۶۲ کلمه مشتق<sup>(۹)</sup> شده است و حدود ۸۷۹ بار در قرآن به کار رفته که از این تعداد کاربرد، ۳۵۸ مورد در آیات مکی و ۵۲۱ مورد در آیات مدنی است.<sup>(۱۰)</sup>

پیوند معنایی ناگسستنی این اصطلاح با کلمه اسلام، ایمان و مؤمن نشان‌دهنده‌ی اهمیت فوق‌العاده مفهوم امنیت است. مفهومی که علاوه بر قرآن و روایات، به وفور در ادعیه اسلامی و شیعی دیده می‌شود. آنچه بدیهی است در این مجال مختصر امکان پرداختن به کلیه ابعاد سیاسی، اجتماعی، قضایی و ... امنیت، نه وجود دارد و نه لازم است.

اما به‌صراحت می‌توان اذعان داشت، این مفهوم در منابع اسلامی دارای عرصه وسیعی بوده و قلمروهای فردی و اجتماعی و زمینه‌های داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، دنیایی و آخرتی را در بر می‌گیرد و با شاخص‌های ایجابی و سلبی، از هر دو زاویه قابل تعریف و دسترسی است و البته

این امر نسبی است، نه مطلق و تابع وضع و امکانات و توانایی‌های هر فرد و جامعه است و نباید آن را صرفاً به امکانات و تجهیزات نظامی، با اندازه‌های مادی و فیزیکی یا مقولات اقتصادی و مانند آن تعریف کرد. بلکه مفهومی عمیق‌تر، ظریف‌تر و فراگیرتر از موضوعات یاد شده داشته و بر ابعاد روحی، فکری، فرهنگی، اخلاقی، معنوی و اعتقادی و ارزش‌های الهی نیز اتکا و وابستگی کامل دارد. قرآن و روایات بیانگر این نکته‌ی بسیار مهم هستند که هرگونه امنیتی و در هر بعد از ابعاد آن، در ایمان و اعتقادات معنوی و الهی ریشه دارد و هرگونه ناامنی در هر عرصه‌ای، بالاخره ریشه‌اش به بی‌ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر، ظلم، و استکبار بر می‌گردد. هم‌چنین مؤمن و صفات ایمانی، اصلی‌ترین خاستگاه صدور کنش‌های امنیت‌زاست. می‌توان گفت، بسترسازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد، چه در حوزه رفتارهای فردی و چه در عرصه‌های اجتماعی و دوری آن‌ها از حیات سیئه و غیرایمانی، اصلی‌ترین سازوکار تأمین امنیت است. بدین خاطر هر نظام واقعی اسلامی باید تلاش کند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و مقابله با دشمنان جبهه ایمان، امنیت و عدالتی همه‌جانبه و فراگیر را برای همه‌ی شهروندان جامعه اسلامی و حتی غیرمسلمانانی که در پناه آن زندگی می‌کنند، فراهم نماید. البته این کار باید بدون غفلت از زندگی دنیایی و با تأمین نیازهای این جهانی باشد تا بتواند زمینه‌ی ورود سرشار از عافیت و سلامت و ایمن از عذاب را به زندگی آن جهانی و اخروی آماده سازد. مشخص است که تا پیش از ظهور، انجام کامل و بهینه‌ی این امور توسط حکومت‌های دنیایی امکان‌پذیر نیست و این‌گونه آرمان‌های عالی الهی و بشری به صورت کامل، تنها در عصر حکومت مهدی (عج) محقق خواهد شد.

در قرآن کریم، آیات بسیاری درباره‌ی اهمیت امنیت و جایگاه والای آن در زندگی فردی، اجتماعی اقتصادی و ... انسان وارد شده است که به اختصار،

نمونه‌هایی از آن‌ها آورده می‌شود:

الف) قرآن یکی از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده و می‌فرماید:

”وعدالله الذین آمنو منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امناً یعبدونی و لایشرکون بی شیئاً“ (نور: ۵۵)

”خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان‌گونه که کسانی که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد و آن دینی که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.“

علامه طباطبایی درباره این آیه فرموده است:

” این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنان که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می‌دهد که به زودی جامعه‌ی صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری‌هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند.“<sup>(۱۱)</sup>

بدین ترتیب، قرآن به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند و به یاری خداوند، حکومت جهانی مستضعفان را تشکیل خواهند داد، نوید امنیت و از میان رفتن همه‌ی اسباب ترس و وحشت را داده است.

ب) بنا به آیه ” و اذ قال ابراهیم رب اجعل هذا البلد آمناً“ (ابراهیم: ۳۵)

حضرت ابراهیم هنگام بنا نهادن کعبه، به این نیاز فطری توجه کرد و از خداوند خواست آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد. خداوند نیز، بنا به آیه «و اذ جعلنا البيت مثابة للناس و امناً» (بقره: ۱۲۵)، آن جا را خانه‌ی امنی برای مردم قرار داد.

پروردگار جهان به همین سرزمین امن، برای بیان کیفیت انسان سوگند یاد می‌کند.<sup>(۱۲)</sup> این ویژگی چنان عزیز است که موجب منت پروردگار بر آدمیان بوده و او را شایسته سپاس بندگی می‌کند.<sup>(۱۳)</sup> با اجابت دعای حضرت ابراهیم، خداوند هم امنیت تکوینی به مکه داد؛ زیرا شهری شد که در طول تاریخ حوادث ناامن کننده‌ی کم‌تری به خود دید و هم امنیت تشریحی عطا کرد؛ زیرا به فرمان الهی همه‌ی انسان‌ها و حتی جانوران در این سرزمین در امن و امان هستند. شکار حیوانات آن ممنوع است و حتی تعقیب مجرمانی که به این حرم و خانه پناه برند نیز جایز نیست. تنها می‌توان برای اجرای عدالت در حق چنین مجرمانی آذوقه را بر آن‌ها بست تا بیرون آیند و تسلیم شوند.

امن دانستن خانه کعبه توسط خدای متعال در حقیقت بیانگر اهمیت امنیت است که این بنای بسیار مقدس با آن توصیف شده است. این صفت کعبه در آیات بسیاری تکرار شده است. هم‌چنان که در سوره تین مکه مکرمه و شهر کعبه به «بلد امین» تشبیه شده است. علامه طباطبایی در این باره آورده است:

«مراد از هذا البلد الامین مکه مشرفه است، و بلد امینش خوانند، چون امنیت یکی از خواصی است که برای حرم تشریح شده و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریح نشده، و این حرم سرزمینی است که خانه کعبه در آن واقع است و خدای تعالی درباره آن فرموده: اولم یروا انا جعلنا حرماً امناً»<sup>(۱۴)</sup> (عنکبوت / ۶۷)

ج) در قرآن، شهری که برخوردار از نعمت باشد، به‌عنوان سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است و بنا به آیه‌ی «و ضرب الله مثلاً قرية کانت آمنة مطمئنة

يَأْتِيهَا رِزْقًا رَغْدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ» (نحل / ۱۱۲)، خداوند به‌عنوان الگو و نمونه، قریه و شهری را مثال می‌زند که امن، آرام و مطمئن بوده و همواره روزی‌اش به فراوانی از هر مکانی فرا رسیده است. بدیهی است، تحقق نهایی چنین شهری در جایی به‌جز عصر و حکومت امام مهدی، محقق نخواهد شد.

د) یکی از مصداق‌های مهم واژه‌هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» در قرآن، امنیت دانسته شده است؛ به‌عنوان نمونه، علامه طباطبایی در بحث از آیه‌ی «وَلَوْ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ» (۱۵) (اعراف / ۹۶) به این معنا اشاره کرده و می‌نویسد:

برکات به معنای هر چیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقدان آن‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرد. (۱۶)

هم‌چنین این مفسر در تفسیر آیه «وَاذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا» (۱۷) (آل عمران / ۱۰۳) با بیان وضع ناامنی حاکم بر جامعه جاهلی پیش از اسلام، منظور از نعمت را در این آیه چنین بر شمارد:

«منظور از نعمت، مواهب جمیلی است که خدای تعالی در سایه اسلام به آنان داده و حال و روز بعد از اسلام آن‌ها را نسبت به پیش از اسلام بهبود بخشید، در دوران جاهلیت امنیت و سلامتی و ثروت و صفای دل نسبت به یک‌دیگر و پاک‌ی اعمال نداشتند و در سایه اسلام صاحب همه این‌ها شدند.» (۱۸)

علامه در تفسیر کلمه «نعیم» در آیه هشتم سوره تکوین: «ثُمَّ لَتَسْتَلْنَ عَنِ النَّعِيمِ» آورده است:

«و نیز در مجمع‌البیان است که بعضی گفته‌اند: نعیم عبارت است از امنیت و صحت (منقول از مجاهد و عبدالله بن مسعود) و این معنا از امام ابوجعفر و ابی‌عبدالله (علیه‌السلام) نیز روایت شده است.» (۱۹)

هم‌چنین این مفسر کبیر در تفسیر خویش، در تبیین واژه‌های «حیات حسنه»<sup>(۲۰)</sup> و «حیات طیبه»<sup>(۲۱)</sup> یکی از ویژگی‌های اصلی این نوع زندگی را بهره‌مندی از نعمت امنیت ذکر می‌نماید. هم‌چنان که یکی از ویژگی‌های «حیات سیئه» را زندگی در ناامنی می‌داند.<sup>(۲۲)</sup>

ه) در قرآن، اولوالالباب به امنیت و سلامتی جاودانی بشارت داده شده‌اند. به تعبیر علامه: جمله «سلام علیکم بما صبرتم فنعم عقبی الدار»، حکایت کلام ملائکه است که اولوالالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی و سرانجام نیک نوید می‌دهند؛ سرانجامی که هرگز دستخوش زشتی و مذمت نگردد.<sup>(۲۳)</sup>

از سوی دیگر، بنا به آیه «ادخلوها بسلام آمنین» (حجر: ۴۵)، در روز سرنوشت، وقتی انسان‌های صالح در جنت گام می‌نهند، به آن‌ها نوید امنیت و سلامت داده می‌شود و به آن‌ها گفته می‌شود که به این باغ‌ها با سلامت و امنیت وارد شوید.

و) هنگامی که خانواده حضرت یوسف (ع) وارد مصر شدند، وی از میان تمامی مواهب و نعمت‌های مصر، انگشت روی مسأله امنیت می‌گذارد و به پدر و مادر و برادران خودش می‌گوید: «ادخلوها مصرأ ان شاء الله آمنین» یعنی داخل مصر شوید که انشاءالله در امنیت خواهید بود. این نشان می‌دهد، نعمت امنیت ریشه‌ی همه نعمت‌هاست؛ زیرا هرگاه امنیت از میان برود، دیگر مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد. در یک محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدور است، نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیشبرد هدف‌های اجتماعی.<sup>(۲۴)</sup>

ز) امنیت بزرگ‌ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق عطا می‌شود؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «فأی الفریقین احق بالامن» (انعام: ۸۱)؛ یعنی کدام یک از دو دسته شایسته امنیت هستند؟ در سخنان و روایات معصومان (ع) نیز مطالب فراوانی درباره‌ی اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده

است که برای نمونه، تنها مواردی از آن‌ها ذکر می‌شود.

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

”مَنْ أَصْبَحَ مُعَافِي فِي بَدَنِهِ آمِنًا فِي سِرِّهِ عِنْدَهُ يَوْمَهُ فَكَأَنَّمَا خَيْرَتُ لَهُ الدُّنْيَا بِحِذَائِهَا.“<sup>(۲۵)</sup>

ایشان هم چنین فرموده است:

”الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ نِعْمَتَانِ مَغْبُونٌ فِيهِمَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ.“<sup>(۲۶)</sup>

”امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند.“

امام صادق (ع) زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده و در این راستا فرموده است:

”خمس خصال من فقد منهن واحدة لم يزل ناقص العيش، زایل العقل، مشغول القلب: فالاولاها صحة البدن والثانية الامن و ...“<sup>(۲۷)</sup>

”پنج چیز است که حتی اگر یکی از آن‌ها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است، عقل نابود می‌شود و مایه‌ی دل‌مشغولی می‌گردد؛ نخستین این پنج چیز، سلامتی و دومین آن امنیت است...“

در روایتی در تحف‌العقول، از امنیت در کنار عدالت و فراوانی، به‌عنوان سه نیاز اساسی مردم یاد شده است:

”ثلاثة اشياء يحتاج الناس طرّاً اليها: الامن، و العدل و الخصب.“<sup>(۲۸)</sup>

”سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی.“

امام علی (ع) در بحث از اهداف عالی حکومت، یکی از دلایل پذیرش حکومت را تأمین امنیت برای بندگان مظلوم و محروم و پشتیبانی از آن‌ها می‌شمارد. باز آن حضرت در بیان نقش و اهمیت امنیت می‌فرماید: ”رهافية العيش في الامن؛<sup>(۲۹)</sup> رفاه زندگی در امنیت است“ و ”لانعمة أهنأ من الامن؛<sup>(۳۰)</sup> هیچ نعمتی گوارتر از امنیت وجود ندارد.“

## بهره چهارم - سیاست‌های دفاعی - امنیتی از دیدگاه امام چهارم

### گفتار اول - اهداف غائی و مبانی اصلی

با نگرشی عمیق به صحیفه سجادیه، می‌توان آموزه‌های دفاعی و امنیتی بیان شده از سوی حضرت را در دعای بیست‌وهفتم که برای مرزبانان یا سپاهیان سرحدات اسلامی ارائه شده ملاحظه نمود، ضمن این‌که دعای چهل‌ونهم هم جهت دفع کید و مکر دشمنان وارد شده است. قبل از آن‌که دیدگاه‌های دفاعی، امنیتی صحیفه سجادیه تبیین شود ذکر چند مقدمه یا نکته لازم است؛ اولاً امنیت مبتنی بر نظم و قانون الهی همواره مورد تأکید ائمه معصومین (ع) و از اهداف و آرمان‌های عالی‌ه ایشان بوده است. امام سجاد همانند سایر معصومین و همچون دیگر اندیشوران اسلامی، به‌خاطر ضرورت وجود امنیت و قدرتی نظم‌آفرین، معتقد به محال بودن عدم وجود حکومت است و همانند جدش امام علی (ع)، حتی حکومت بد و قوانین نامطلوب را از هرج و مرج برتر می‌شمارد، زیرا در صورت وجود هرج و مرج تمام راه‌های نجات مسدود و کلیه امور و حدود تعطیل می‌گردد و فتنه حاکم می‌شود. همان‌طور که امیرمؤمنان (ع) عدم وجود نظم اجتماعی و قانون‌مداری و به‌دنبال آن عدم برقراری امنیت را از اسارت انسان در چنگال حیوانی درنده بدتر می‌داند و می‌فرماید:

”امام عادل خیر من مطر وابل (و) سُبُعِ حَطُومِ اَكُوْلٍ خَيْرٌ مِنْ وَالِّ غِشُومِ ظَلُومِ، و وَالِّ غِشُومِ ظَلُومِ خَيْرٌ مِنْ فِتْنَةِ تَدُومِ“ (۳۱)

”پیشوای دادگر، از باران پیوسته (که همه چیز را بارور می‌کند) بهتر است، و جانور درنده و آدم‌خوار، از فرمانروای ستمکار بهتر است، و فرمانروای بیدادگر از ادامه هرج و مرج نیکوتر است.“

شایان ذکر است که امیرمؤمنان (ع) فراهم کردن امنیت همه‌جانبه را مقصد اساسی می‌دانست که در سایه آن رشد و تعالی مردمان سامان می‌یابد. (۳۲) و ایشان اسلام را مایه امنیت اساسی معرفی کرده و فرموده است:



”الحمد لله الذی شرع الاسلام ... فجعله أمناً لمن علقه؛“<sup>(۳۳)</sup> سپاس خدای را که راه اسلام را گشود و ... و آن را برای هر که به آن چنگ زند، امنیت قرار داد.“

از این رو، یکی از راه‌های دستیابی به امنیت، آموزش آموزه‌های دینی به مردم است. از سوی دیگر، علی (ع) از جوانب دیگری به موضوع امنیت و آرمان تأمین کامل آن‌هم پرداخته‌اند. ایشان درباره ضرورت دستگاه اطلاعاتی، در نامه مالک اشتر و نامه‌ای دیگر (نامه ۴۵ نهج البلاغه) بیاناتی دارند. در مورد ضرورت و اهمیت مرزبانی و مرزداری، سخنان امام (نامه ۳۳) ناظر بر این موضوع است. از سوی دیگر، ضرورت تشکیل سپاه و تقویت نیروهای رزمی را می‌توان در نامه‌های ۱۲ و ۱۶ و ۵۳ و خطبه‌های ۱۲ و ۱۰ و ۶۳ ملاحظه کرد.<sup>(۳۴)</sup> بدین ترتیب، واضح است که امام سجاد (ع) در این مسیر به جدش اقتدا کرده است.

ثانیاً همان‌طور که قبلاً نیز گفته شد امام سجاد (ع) هم در عین ابرار تنفر از زمامداران خودسر اموی، از هدایت و راهنمایی آنان خصوصاً آن‌جا که حفظ اساس اسلام و مصالح امت اسلامی مطرح بود، کوتاهی نمی‌کرد. ذکر نمونه و شاهی بر این مدعا مفید است:

در زمان عبدالملک، خلیفه اموی، پارچه‌هایی که شعار تبلیغاتی مسیحیت (پدر، پسر، روح‌القدس) بر آن نقش بسته بود، رواج داشت؛ حتی بر پارچه‌هایی که در مصر اسلامی می‌بافتند به تقلید از رومیان همان نقش را می‌زدند، این کار مورد اعتراض مسلمانان قرار گرفت و از عبدالملک درخواست کردند که به‌جای علامت «تثلیث» علامت توحید بر آن‌ها نقش کند؛ خبر به امپراتور روم رسید و او از عبدالملک درخواست کرد که از ایجاد هر نوع تغییر و دگرگونی در پارچه‌های بافت مصری خودداری شود، در غیر این صورت سکه‌هایی ضرب می‌کند که روی آن ناسزا به پیامبر اسلام نقش بسته باشد.<sup>(۳۵)</sup> در آن روز پول رایج در کشور و بلاد اسلامی، همان سکه‌هایی بود که در روم تهیه و ضرب می‌شد و وقتی چنین خبری به عبدالملک رسید، از امام سجاد استمداد کرد، امام طرح استقلال

اقتصادی و بی‌نیازی از سکه‌های رایج روم را پیشنهاد کرد و فرمود، باید در کشور اسلامی سکه‌های جدیدی ضرب شود که در یک روی آن جمله «اشهد الله انه لا اله الا هو» و در روی دیگرش «محمد رسول الله» حک گردد؛ آن‌گاه امام (ع) قالب‌گیری دقیق و ضرب این جمله‌ها را به آنان آموخت و طرح آن حضرت عملی شد و سکه‌های اسلامی به بازار آمد و به بهره‌جویی و استیلاطلبی روم به‌عنوان کشور مسیحی بیگانه، خاتمه داده شد.<sup>(۳۶)</sup> بدین ترتیب به‌وضوح می‌توان دریافت که دعاها و راهبردهای دفاعی مطروحه در دعای ۲۷ صحیفه، به‌معنای دفاع از ظلم و جور دستگاه‌های حاکم وقت نبوده و مصالح اساسی اسلام و امت اسلامی را مدنظر داشته است، هم‌چنان‌که امام (ع) در همین کتاب شریف با زبان راز و نیاز شکایت‌های خود را از این دستگاه جائر و اسلام‌ستیز به‌گونه زیر در دعای چهل‌ونهم بیان می‌دارد و خدای منان را شکر می‌گذارد که وی را از مکاید و دشمنی‌ها [ی حکومت] مصون داشته است:

”... ای خدا، من چه بسیار دشمنی که شمشیر عداوت بر من کشید و خنجر کین تیز کرد و نیزه و سنان از خشم من تند نمود و سمومات کشنده بر قتل من آماده ساخت و با تیرهایی که به هدف می‌رسید مرا نشانه کرد و چشمش از مراقبت من به‌خواب نمی‌رفت و در دل داشت که مرا آماج هر رنج و شکنجه قرار دهد و شربت ناگوار مرگ را به من بچشانند ... پس تو به‌قوت و قدرت ازلی مرا یاری کردی و در مقابل دشمن پشت مرا محکم فرمودی، آن‌گاه تندی تیغ دشمن را بر من کند کردی و مرا به شرف و بزرگواری بر او قدرت و برتری دادی و آن‌چه از مکر و حیلتش کار بر من محک کرد همه را به او برگردانیدی ... و ای خدا چه بسیار ستمگر که در پی آزار من مکرها اندیشید و دام‌ها برای شکارم گسترد و از پی جست‌وجویم، موکل و دیده‌بانانش را برانگیخت و مانند سبوع و درنده‌ای که برای شکار خود کمین کرده و در کمینگاه

من به انتظار فرصت بود و برای فریب من متملقانه رخساره بشاش  
 نشان می‌داد و از دل به چشم کینه به من می‌نگریست و ای خدای  
 بزرگوار چون خیانت و خبث سیرتش را دیدی و قبح و زشتی نیت  
 شومش را، تو هم (به قهر و غضب) از مغز سر سرنگون به چاه هلاکش  
 کردی و او را به گودال عمیق (که خود کنده بود) در افکندی ...“ (۳۷)

امام (ع) همواره در حیات خویش ضمن پناه بردن به خداوند از شر  
 حکومت‌های جائر وقت، از خدا علیه آن‌ها دادخواهی و یاری می‌خواست است:  
 ”ای خدا همیشه تو را به دادخواهی و یاری خواندم و به سوی تو (از  
 شر و ستم‌های دشمنان) پناه جستیم و به سرعت اجابت و یاری تو  
 اطمینان کامل داشتم و محققاً می‌دانستم که هر کس در سایه حمایت تو  
 درآید هرگز مغلوب نخواهد شد، پس ای خدا مرا به قدرت کاملات از  
 شر جور و ستم پناه ده ...“ (۳۸)

هم‌چنین این نکته بسیار مهم هم باید خاطر نشان شود که حضرت در دعای  
 بیست و هفتم صحیفه، به دعا در حق مرزداران اسلامی، و نه نیروهای تحت امر  
 حکام جائر در عرصه داخلی، می‌پردازد و بدین ترتیب شائبه هرگونه همکاری و  
 تأیید این‌گونه حکام را برطرف می‌سازد. در توضیح سوم نیز باید افزود که  
 درست است که امام بسیاری از راهبردهای دفاعی و امنیتی خود را در قالب راز و  
 نیاز از خداوند درخواست کرده ولی بسیار واضح است که این شیوه بیانی،  
 متناسب با کلیت عرفانی و انتخاب زبان رمزآلود از سوی امام در این مصحف  
 شریف است ضمن آن‌که مگر نه این‌که هیچ دعایی بدون همراهی عمل داعی  
 مستجاب نخواهد شد، پس در واقع می‌توان درخواست‌های حضرت از خداوند  
 متعال را به‌عنوان دستورالعمل‌های قابل اجرا و تجویز قلمداد نمود و تحقق این  
 ادعیه راهبردی از سوی خداوند را منوط به همراهی عملی مسلمانان دانست و از  
 این دعاها، آموزه‌های لازم دفاعی و امنیتی را استنتاج و استنباط نمود.

## گفتار دوم - آموزه‌ها و سیاست‌ها

### ۱ - نفی هر گونه جنگ و سلطه‌طلبی، و مشروعیت صرف جنگ توحیدی

برحسب آموزه‌های امام، جنگ‌طلبی مذموم بوده و تنها جنگ در راه حق و اهداف توحیدی مورد پذیرش است. بدین‌سان، اساس این سیاست نفی جنگ‌طلبی بوده و اگر قرار است جنگی هم موجه باشد آن نبردی در راستای حاکمیت توحید و تفکر توحیدی بر کلیه انحاء عالم است. امام (ع) در این راستا برای سپاهیان و مرزداران اسلامی چنین دعا می‌فرماید:

”... و آن‌ها را از جنگ و محاربه کفار فراغت برای عبادت بخش و از دفع و طرد آن‌ها آسوده ساز تا با به خلوت و راز و نیاز پردازند و تا آن‌که دیگر در معموره زمین هیچ‌کس غیر تو را پرستش نکند و پیش احدی جز ذات یگانه تو کسی جبهه به خاک مذلت نساید (۳۹) ... پروردگارا، این نعمت غلبه و استیلای مسلمین را در تمام اقطار عالم تعمیم ده.“ (۴۰)

هم‌چنین امام، شریعت و عدالت و معرفت‌خواهی و جهاد در راه استیلای توحید را از ویژگی‌های سپاهیان اسلامی به‌شمار آورده است:

”پروردگارا هرگاه از قشون اسلام که اهل ملت و شرع تو هستند، مرد جنگ‌جویی با آن کافران به جنگ برخیزد یا آن‌که از پیروان سنت و آیین‌ات مردی با عدالت و معرفت با آن‌ها به جهاد و دفاع رو آورد با این مقصود که دین توحیدی تو برتری یابد و حزب و سپاه تو نیرومندتر شود و بهره خلق از معرفتت بیش‌تر گردد، تو ای خدا بر آن مرد جنگ‌جو و مجاهد امر جنگ را سهل و آسان گردان و ...“ (۴۱)

### ۲ - تأکید فوق‌العاده بر امنیت و حفظ حدود و سرحدات

در واقع آن‌چه به‌خوبی بیانگر موضوع امنیت و حفظ سرحدات بلاد اسلامی

است در این نهفته که امام، دعای بیست و هفتم خود را با تأکید بر این موضوع مهم شروع نموده است:

”پروردگارا درود فرست بر محمد و آل اطهارش و ثغور و سرحدات مسلمین را به عزت و جلال خود محفوظ بدار و سپاهیان اسلام را که به حمایت و نگهبانی مرزهای کشورهای اسلام همت گماشته‌اند به قوت و قدرت کامل خود آن‌ها را یاری فرما ...“ (۴۲)

### ۳- تبیین ویژگی‌ها و صفات لازم در نیروهای نظامی

امام برای سپاهیان، صفات و ویژگی‌های متعددی را همانند صبر، ثبات، پایداری، شجاعت، سلامت جسمی، اخلاق نیکو، حس سیاست یا تدبیر، شهادت‌طلبی، رهبانیت در جهاد، خلوص و حسن نیت، عدالت‌ورزی و دوری از ریا ذکر می‌کند و بدیهی است در هر نظام اسلامی می‌بایست در انصاف نیروهای نظامی به این صفات کوشید. از آن‌جا که این فراز از دعای بیست و هفتم، بلند است تنها گوشه‌ایی از آن ذکر می‌شود. امام درباره جنگجویان و مجاهدان اسلامی این‌گونه دعا می‌فرماید:

”... و از غم و اندوه وحشت جنگ او را در پناه خود بدار و یاد اهل و اولاد را از خاطرش ببر و حسن نیت بر او اختیار فرما و هم او را بر حسن عاقبت و رستگاری یاری فرما، نعمت سلامت و صحتش را مستدام بدار و از جبن و ترس و کم‌دلی دورش دار و شجاعت و پردلی بر او الهام کن و او را سختی و پایداری نصیبش فرما و به نصرت و فتح و ظفر مؤیدش بدار و سیرت خوش و اخلاق نیکو و حسن سیاستش تعلیم ده و در حکم میان خلق به عدل و سداد و صواب موفقش فرما و از ریا، شهرت‌طلبی و خودنمایی دورش دار و قصدش خالص گردان و به لطف خود همه کار، فکر و ذکر و حرکت و

سکونش را در راه خود خالص برای حضرتت قرار ده و ... سپاه دشمن را در چشم او اندک بنما و شأن و شوکتش را در قلب او ناچیز گردان...“ (۴۳)

بدین ترتیب، در سیاست و آموزه‌های دفاعی حضرت سجاد، نیروهای نظامی نه تنها جنگ طلب و استیلا جو و مظهر اعمال خشونت نامشروع نیستند، بلکه می‌بایستی از متدین‌ترین و با اخلاق‌ترین و فرهیخته‌ترین افراد اجتماع باشند و بدیهی است چنین بینش متعالی درباره نیروهای نظامی در نوع خود بی‌نظیر است.

#### ۴ - تأکید بر ارتقای کمیت و کیفیت نیروهای انسانی، تسلیحات و کارآمدی آنها

در آموزه‌های امام، کمیت و کیفیت نیروها و تجهیزات نظامی از اهمیت بسزا و تعیین کننده‌ای برخوردار است و نقش تعیین کننده‌ای در دستیابی به پیروزی ایفا می‌نماید. امام از خدای متعال چنین می‌خواهد:

”... و عده سپاهیان سرحدی مسلمین را زیاد و اسلحه آنها را مجهز و بُرا ساز“ (۴۴)

بنابراین، مشخص است که ارتقای کمیت و کیفیت و تجهیز نیروهای انسانی و تسلیحات نظامی، امری راهبردی است که قرآن کریم نیز بر این اهمیت صحه گذارده است. (۴۵)

#### ۵ - تأمین به موقع تدارکات و لجستیک سپاه

با توجه به اهمیت این امر در کلیه سیاست‌های دفاعی و نظامی، حضرت از خدا چنین استمداد می‌نماید:

”و ای خدا تو مدبر بر امرشان باش و قوت و آذوقه آنها را پی‌درپی بی‌رنج انتظار عطا فرما و تو خود به تنهایی مؤنه آنها را تکفل کن...“ (۴۶)

## ۶- ضرورت ایجاد الفت، هماهنگی و همدلی در سپاهیان

امام در دعای خود با عبارت " و احرس حوزتهم و امنع حوتمهم و آلف جمعهم" (۴۷) از خداوند متعال می‌خواهد که حدود و جوانب لشکریان اسلام، حفظ و مستحکم گشته و دل‌های سپاهیان با هم جمع و هماهنگ گردد. بدیهی است از این منظر، سپاه اسلام با انس، الفت و اتحاد و اتفاق و وحدت روحی؛ قدرت بیش‌تری یافته و دیگر دشمن نخواهد توانست با نفاق‌افکنی و اختلاف‌انگیزی مایه تضعیف عزت و قدرت آن‌ها شده و سپاهیان و مرزداران اسلامی را با نفاق‌افکنی ذلیل و ناتوان نماید.

## ۷- ضرورت کسب اطلاعات کافی از دشمن و بهره‌گیری از حيله‌ها و تدابير جنگی

امام از خداوند متعال می‌خواهد که به سپاهیان سرحادات اسلامی، شناخت، علم و بصیرت لازم نسبت به دشمن و اطلاع از حيله‌ها و تدابير جنگی را اعطا نماید و جمله زیبای امام چنین است:

"... و الطف لهم فی المکر... و عرفهم ما یجهلون و علمهم ما لا یعلمون

و بصرهم ما لا یبصرون" (۴۸)

به‌خوبی روشن است که در این فقره از دعا، داشتن تدبیر دقیق و اطلاعات و شناسایی‌های لازم از دشمن امر لازمی شمرده شده است و در واقع ناظر بر این موضوع است که در آموزه‌ها و سیاست دفاعی داشتن راهبردهای جنگی و اطلاعات کامل از خصم، همواره امری الزامی است.

با توجه به کاربرد کلمه «مکر» در این فراز از دعا، باید این نکته خاطر نشان شود که در بسیاری از روایات اسلامی، کاربرد مکر یا حيله و خدعه علیه دشمن بر خلاف «غدر» صحیح و لازم شمرده شده است زیرا مکر یا حيله، خود نوعی راهبرد و تدبیر جنگی است در حالی که «غدر» یا پیمان‌شکنی عملی غیراسلامی و غیرانسانی و بر خلاف مروت و جوانمردی محسوب گشته است. لذا روایات

بسیاری با مردود دانستن غدر یا پیمان شکنی، جنگ را نیرنگ دانسته و کاربرد نیرنگ یا فریب را کاملاً مجاز توصیه می‌کند. (۴۹)

#### ۸- ضرورت بسیج و آمادگی دائمی نظامی و آماده‌سازی مداوم نیرو

در آموزه‌های دفاعی - امنیتی صحیفه سجادیه، مشارکت همگانی مردم در امر دفاع توصیه شده و برای مشارکت و آماده‌سازی و بسیج نیرو و امکانات، راه‌های مختلفی عرضه شده است که از جمله می‌توان به مشارکت مالی، مشارکت در تأمین مایحتاج نظامی و غیرنظامی سپاهیان و مزداران، و هر گونه مساعدت در تشویق و ترغیب مستقیم یا غیرمستقیم امر جهاد و مجاهدان اشاره کرد. فرازی از صحیفه که این معانی از آن برداشت می‌شود چنین است:

”پروردگارا، هر مسلمانی فرزند مجاهد و جنگجویی یا مرابط و سرحد داری در خانه خود واگذارد یا آن‌که از جانشینانش کسی را بر این کار صالح و مهیا سازد و یا به قسمتی از مالش یا سلاح و لوازم جهادش به مسلمانی اعانت و یاری کند یا وی را به تشویق و ترغیب برای امر جهاد برانگیزد و یا آن‌که به حضورش کسی را دعوت به پیروی او کند یا در غیابش حرکت و تعظیم و تکریم او را رعایت کند، پروردگارا تو چنین کسی را زیون مکن و به مانند آن کسی که خود جهاد می‌کند، اجر و پاداش عطا فرما.“ (۵۰)

هم‌چنین، حضرت سجاد با ضروری دانستن نیت و قصد الهی در جهاد و دفاع، برای ناتوانان از شرکت در دفاع از بلاد اسلامی که داری نیت قلبی اهتمام به امر دفاع و جهاد هستند، اجر و ثواب مجاهدت اسلامی قائل است. (۵۱)

#### ۹- تأکید بر قاطعیت در نبرد و کسب پیروزی نهایی

تاریخ به خوبی گواه است که بسیاری از مبارزات حق جویانه به دلیل



ساده‌اندیشی یا سستی در مبارزه و ضعف در دستیابی به پیروزی نهایی یا مسالمت‌جویی نابه‌جا با دشمنان به ثمر نرسیده است. امام سجاد (ع) با وقوف به این امر، ویژگی پیروزی مطلوب در مبارزه با دشمنان را فرار و هزیمت دشمنان و پراکنده‌سازی و قطع طمع آنان نسبت به بلاد اسلامی و مذلت کامل ایشان به حساب می‌آورد و چنین پیروزی و عقوبت متجاوزان را مایه عبرت‌گیری سایرین به شمار می‌آورد. امام ویژگی پیروزی ضروری و صفات دشمن مغلوب را در این فراز از دعا، بدین‌گونه شرح می‌دهد:

”... چنان مقهورشان ساز که پیروانشان همه متفرق و فراری شوند و پیروانشان را به واسطه شکست آنان به نکال و عقوبت و عذاب در افکن و به‌خیزی و مذلت آن‌ها دشمنان بعد از اینان (عبرت گیرند) و قطع طمع از پیروزی کنند (۵۲) ... که تا آخرین افراد مشرکین را به قتل و اسارت هلاک گردانی و ریشه شوکت و اقتدار آن‌ها را از بیخ و بن برکنی.“ (۵۳)

#### ۱۰ - تقویت ایمان سپاهیان، رمز پایداری و مقاومت در جنگ

از منظر امام، تقویت ایمان سپاهیان مرزبان، با عاری نمودن فکر و ذهن آن‌ها از امور فتنه‌انگیز و فریبنده دنیوی و یادآوری وعده‌های الهی و نعمت‌های بهشتی برای آنان، باعث استقامت و پایداری آن‌ها در جنگ خواهد گشت و بدین‌سان نه تنها ایشان روی از جنگ بر نخواهند تابید که حتی خیال فرار از آوردگاه هم به ذهن آن‌ها خطور نخواهد کرد. (۵۴)

#### ۱۱ - راه‌کارها یا راهبردهای عمومی مقابله با دشمن

حضرت سجاد (ع) جهت کاهش تأثیر نیروی نظامی دشمن و مقابله با آن‌ها، به ارائه راهبردهای دفاعی و تقابلی لازم پرداخته است که البته به صورت

درخواست از خدای متعال و به صورت زیر تبیین گردیده است:

۱۱-۱ - ممانعت از دستیابی دشمن به تسلیحات

”میان دشمنان و اسلحه جنگ شان جدایی انداز“ (۵۵)

۱۱-۲ - نابودی نقاط و مناطق پشتیبانی و تدارکات

”و محل وثوق آنها را نابود ساز“ (۵۶)

۱۱-۳ - ممانعت از دستیابی دشمن به تدارکات

”میان آنها را با محل آذوقه شان دور گردان“ (۵۷)

۱۱-۴ - کاربرد عوامل گمراه سازی و فریب دشمن

”از راه پیشرفت، آنها را حیران و سرگردان ساز و هر جا رو کنند، گمراهشان گردان.“ (۵۸)

همچنین در فراز دیگری از این ادعا، حضرت جمله ای دارند که به نظر می رسد می توان از آن ضرورت استفاده از عملیات جنگ روانی را فهم و توجیه کرد؛ آن جا که می فرمایند:

”پروردگارا تو دل های آنها را از ایمنی و آرامش خالی گردان و قوای بدنی آنها را ضعیف ساز و قلوبشان را از فکر مکر و حيله و فساد غافل دار.“ (۵۹)

۱۱-۵ - ممانعت از کمک رسانی همدستان و هم پیمانان و قطع کمک آنان

”مدد و کمک همدستان و هم پیمانانشان را از آنان قطع کن“ (۶۰)

۱۱-۶ - مقابله با سیاست اعلامی و تبلیغاتی دشمن

”دستشان را از هر طرف کوتاه کن و زبانشان را از سخن (به زیان اسلام و تبلیغ علیه مسلمین) قطع کن.“ (۶۱)

۱۱-۷ - ایجاد نزاع بین دشمنان و تفرقه اندازی و اختلاف کلمه میان آنها

”پروردگارا تو مشرکان را به جنگ و نزاع با مشرکان مشغول دار تا به اطراف و حدود دیار مسلمین دست درازی نتوانند کرد و آنها را عوض

مسلمین به نقص و کاهش (جان و مال) گرفتار ساز و به واسطه اختلاف کلمه و تفرقه از تجمع و اتفاق علیه مسلمین باز دار. (۶۲)

#### ۸- ۱۱ - تضعیف سامانه فرماندهی دشمن

”و ارکان آن‌ها (یعنی سران و شجاعانشان) را از مقاومت در مقابل رجال مسلمین ضعیف ساز و سست گردان و آنان را از مبارزه با قهرمانان و شجاعان سپاه اسلام ترسان و هراسان ساز. (۶۳)

#### ۱۲ - راه کارها یا راهبردهای ویژه در مقابله با دشمن

در فرازهای نسبتاً پر حجمی از دعای بیست و هفتم، امام زین العابدین، سنگین‌ترین نفرین‌ها و بدخواهی‌ها را در حق دشمنان اسلام و متجاوزین به بلاد اسلامی و حتی چارپایان و گیاهان محیط زیست آن‌ها نموده است.

”پروردگارا برای هلاک دشمنان، در آب‌هایشان و با (۶۴) و طاعون و در طعام‌هایشان امراض دیگر داخل ساز و بلادشان را به بلای خسوف و زلزله ویران گردان و پیوسته دیارشان را به سنگ باران، خراب ساز و به خشک‌سالی و قحطی دچار کن و آذوقه آن‌ها را در خشک و بی‌گیاه‌ترین سرزمین و دورترین اماکن از آن‌ها قرار ده و حصار آن اماکن را مانع دسترسی به آذوقه‌شان بگردان تا سپاه دشمن به جوع و گرسنگی ممتد و مرض سخت به هزیمت افتد. (۶۵)

خدایا تو رحم زنان و پشت مردان دشمن را عقیم و محروم از فرزندان ساز و چهارپایان و انعامشان را مقطوع النسل گردان و به آسمان‌شان اجازه یک قطره بارش مده و به زمین‌شان اجازه روئیدن گیاهی نفرما و به جای آن باران، حیوانات و نباتات دیار اهل اسلام را پر بار ساخته و

بدین سان آن‌ها را نیرومند و محفوظ‌ساز.<sup>۱</sup> (۶۶)

### نتیجه‌گیری

مقاله حاضر بیانگر آن است که بر خلاف تصورات غلطی که ممکن است از امام چهارم (ع) در افواه عامه وجود داشته باشد مبنی بر این‌که حضرت بخش زیادی از عمر خود را در انزوا و عزلت از عرصه‌های سیاسی و اجتماعی گذرانیده و تنها به دعا و مناجات مشغول بوده است، امام با شجاعت و صلابت و با تدبیر در کلیه عرصه‌های مزبور حضور فعال داشته و کتاب ارجمند صحیفه سجادیه بهترین شاهد این مدعاست؛ به علاوه، حضرت با وجود آن‌که در شرایط بسیار حاد سیاسی و اجتماعی و عصر پرتلاطمی می‌زیسته‌اند و با چندین خلیفه جائر و متقلب اموی، هم عصر بوده‌اند، با این حال، به تنویر مستمر افکار عمومی و تلاش بر انجام اصلاح مردم و جلوگیری از انحرافات دینی در سطوح مختلف سعی بلیغی نمودند. هم‌چنین امام با وجود تنفر از زمامداران اموی و مقابله با دستگاه جائر، از هدایت و راهنمایی آن‌ها خصوصاً آن‌جا که حفظ اساس اسلام و مصالح اسلام و مصالح امت اسلامی مطرح بود، کوتاهی نمی‌کردند و دقیقاً در همین راستا و جهت حفظ اساس این دین شریف، منظومه فکری و آموزه‌های نظری و عملی خود را در باب مسائل دفاعی و امنیتی و جهت مرزبانی بلاد اسلامی در دعای بیست‌وهفتم تدوین نمودند و بدین ترتیب و بر مبنای مستندات این پژوهش می‌توان با قاطعیت ابراز نمود که صحیفه و مصحف شریف سجادیه،

۱ - به نظر می‌رسد مصداق این ادعیه، دشمنان محاربی هستند که در گذشته در کانونی واحد برای مقابله با مسلمین گردهم می‌آمدند و فرازهای مذکور شامل آنان می‌شده است. اما اکنون که دشمنان محارب در قالب کشورها و در میان مردم عادی موجودیت می‌یابند، شرایط متفاوت است و طبق موازین اسلامی توجه به سلامت مردم و کسانی که در زمره دشمنان محارب نیستند ضروری است.

شامل دکترین و آموزه‌های دفاعی - امنیتی بسیار منسجم و کم‌نظیری است که توسط امام سجاد (ع) با رویکردی ظلم‌ستیزانه و در عین عدم تأیید حکومت جائز وقت، و به‌خاطر حفظ اسلام و مصالح امت اسلامی و مقابله با تهدیدها و تهاجمات بیگانگان، طراحی و اندیشیده شده و می‌توان در حال حاضر نیز بدان اتکا و استناد نمود.

### پی‌نوشت

- ۱ - به این امام همام لقب‌های دیگری همچون: ذُو الثَّنَاتِ، سَيِّدُ الْعَابِدِينَ، قُدْوَةُ الزَّاهِدِينَ، سَيِّدُ الْمُتَّقِينَ، امام المومنین، الْأَمِين، سَجَادِ الزُّكِيِّ، زَيْنِ الصَّالِحِينَ، مُنَارِ الْقَاتِنِينَ که در مجموع به معنای مانند عابدان، پیشوای زاهدان، مهتر پرهیزگاران، امام مومنان، زیور صالحان، چراغ شب زنده‌داران و پیشانی پینه بسته می‌باشد جز این چند لقب، لقب‌های دیگری نیز چون: العدل، امام الامه، و البكاء نیز بدین حضرت داده‌اند هم‌چنین کنیه امام را ابو مُحَمَّد، ابوالْحَسَنِ ابوبکر و ابوالْحَسَنِ ذکر کرده‌اند.
- ۲ - در زبان لاتین، واژه Doctrina به معنای دکتربین، آموزش و علم است، کلمه Doctrine با تلفظ، املا و معنای مشابه نیز به زبان‌هایی مانند انگلیسی و فرانسوی راه یافته است. به‌عنوان نمونه، این اصطلاح در سال ۱۶۰۱م به معنای علم و دانستن وارد زبان فرانسه شده و ریشه آن در این زبان از کلمه docere به معنای آموزش دادن است. دکتربین در زبان فارسی با اصطلاح «آموزه» ترجمه شده، هر چند در لغت‌نامه‌های عمومی به معنای اصول - عقیده، مجموعه عقاید پیروان یک مکتب، پیشنهادها ترجمه گشته است. یا در فرهنگ‌های لغت خارجی، برای آن، مترادف‌های مانند دگم (نکات و اصول تردیدناپذیر)، تئوری، افکار، سیستم، تز، مذهب و فلسفه ذکر شده است اما شاید بتوان اجمالاً چند تعریف زیر را برای دکتربین ارائه نمود که در واقع بیانگر کاربرد آن نیز می‌باشد:
- الف) مجموعه‌ای از مفاهیم که با تأکید بر صدق خود، مدعی است در عرصه‌های عملی و کنش‌های حیات بشری، تفسیرهای لازم را ارائه داده و الگوهای ضروری برای هدایت و اداره‌ی حیات مزبور در این قلمرو را عرضه می‌کند.
- ب) مجموعه آراء، عقاید، سازوکارها و راه‌کارها و آموزش‌هایی است که تفسیرهای راهبردی از حوزه‌های اساسی حیات بشر در عرصه‌های نظری و عملی، برای بهزیستی و مدیریت بهینه حیات فردی و جمعی بشر ارائه می‌دهد.
- ج) مجموعه افکار و عقاید یک مکتب ادبی یا فلسفی یا اصول تردیدناپذیر (یا دگم‌های) یک مذهب می‌باشد. دکتربین‌ها می‌توانند در عرصه‌های مختلف مذهبی، اخلاقی، هنری،



شایان ذکر است که کلمه «الأمْن» در مجموع سه بار که دوبار آن در سوره مکی انعام آیات ۸۱ و ۸۲ و یکبار آن در سوره مدنی نساء آیه ۸۳ به کار رفته است. کلمه آمناً دوبار یکی در سوره مدنی بقره، آیه ۱۲۵ و دیگری در سوره مدنی نور، آیه ۵۵ استفاده شده است. هم چنین واژه «أَمْنَةً» دوبار در سوره‌های مدنی آل عمران، آیا ۱۵۴ و انفال، آیه ۱۱ کاربرد داشته است.

۱۱ - سید محمد حسین طباطبایی، *تفسیر المیزان*، ج ۱۵، ترجمه سید محمدباقر همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۴، ص ۲۰۹.

۱۲ - و هذا البلد الامین لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم (تین: ۳ و ۴)

۱۳ - فلیعبدوا رب هذا البیت الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف (قریش: ۳ و ۴)

۱۴ - علامه طباطبایی، *ترجمه المیزان*، ج ۲۰، ص ۵۳۹.

۱۵ - اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم.

۱۶ - همان، ج ۸، ص ۲۵۲.

۱۷ - و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن‌گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید. پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید.

۱۸ - همان، ج ۵، ص ۳۷۶.

۱۹ - همان، ج ۲۰، ص ۶۰۷. امام باقر (ع) و امام صادق (ع) در تفسیر این آیه فرموده‌اند: امنیت یکی از نعمت‌های بزرگ خداوندی است و در برابر این موهبت بزرگ، انسان‌ها در روز قیامت مورد سؤال قرار خواهند گرفت و باید پاسخ دهند: «ثم لتسئلن عن النعم، قیل هو الامان»، ر. ک. ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، *مجمع البیان*، [بی‌جا]، دارالمرفه، [بی‌تا]، ج ۱۰، ص ۵۳۸، هم‌چنین ر. ک: مجلسی، *بحارالانوار*، ج ۷۸، پیشین، حکمت ۸، ص ۱۷۲.

۲۰ - علامه طباطبایی، *ترجمه المیزان*، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

۲۱ - همان، ج ۷، ص ۴۶۵.

۲۲ - همان.

۲۳ - همان، ج ۱۱، ص ۴۷۵.

۲۴ - ناصر مکارم شیرازی، *تفسیر نمونه*، قم، *دارالکتاب الاسلامیه*، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۸۴.

۲۵ - رسول اکرم (ص)، *نهج الفصاحه*، گردآورنده: مرتضی فرید تنکابنی، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چ ۴، ۱۳۷۴ ش / ۱۴۱۶ ق، ص ۵۹.

۲۶ - همان.



- ۲۷ - بحارالانوار، ج ۷۸، حکمت ۱، ص ۱۷۱.
- ۲۸ - ابومحمد ابن شعبه الحرانی، *تحف العقول*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ ش، ۱۴۰۴ق، ص ۳۳۴.
- ۲۹ - عبدالواحد تمیمی آمدی، *شرح غررالحکم و درر الکلم*، ج ۴، تصحیح میرجلال‌الدین حسینی ارموی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ ش، ص ۱۰۰.
- ۳۰ - همان، ج ۶، ص ۴۳۵.
- ۳۱ - مصطفی دلشاد تهرانی، *حکومت حکمت*، ص ۷۹، خانه اندیشه جوان، تهران، ۱۳۷۷، ص ۶۰، (به نقل از ابوعبدالله محمد بن سلامه القضاعی، دستور معالم الحکم و مآثور الشیم، ص ۲۱، الطبعة الاولى، دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۰۱).
- ۳۲ - *نهج البلاغه*، شرح و ترجمه سید علینقی فیض الاسلام، پیشین، حکمت ۱۳۱، بند ۳، ص ۴۰۷.
- ۳۳ - همان، خ ۱۰۵، بند ۱، ص ۳۱۳.
- ۳۴ - علی (ع) در باب فنون جنگی و آداب رزم بیانات متعددی دارد. برای نمونه ر. ک: اویس محمد، المعجم الموضوعی لنهج البلاغه، ص ۲۳۶-۲۳۰، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۰۸.
- ۳۵ - متأسفانه این ماجرا بیانگر آن است که سنت مذموم توهین به مقدسات اسلامی در بین غربیان و از جمله به نبی اکرم اسلام (ص) در سال ۲۰۰۶ میلادی، پدیده جدیدی نیست و این حقد و کینه مسبوق به سابقه و دارای ریشه‌های قدیمی در بین زمامداران و نظام‌های سیاسی آن‌هاست.
- ۳۶ - ر. ک، سبحانی، پیشین، ص ۱۶۳، (به نقل از اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵۴ قطع رحلی، المحاسن و المساوی بیهقی جزء ۲).
- ۳۷ - *صحیفه سجادیه*، پیشین، دعای ۴۹، صص ۵۳۷-۵۳۸.
- ۳۸ - همان، صص ۵۳۸-۵۳۹.
- ۳۹ - *صحیفه سجادیه*، پیشین، دعای ۲۷، ص ۲۶۴.
- ۴۰ - همان، ص ۲۶۵.
- ۴۱ - همان، ص ۲۶۶.
- ۴۲ - همان، ص ۲۶۱.
- ۴۳ - همان، ص ۲۶۷.
- ۴۴ - همان، ص ۲۶۱.
- ۴۵ - "واعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل، ترهبون به عدوا لله و عدوکم" (انفال،

- آیه ۶۰).
- ۴۶ - صحیفه سجادیه، پیشین، دعای ۲۷، ص ۲۶۲.
- ۴۷ - همان صص ۲۵۶ و ۲۶۲.
- ۴۸ - همان، ص ۲۶۵.
- ۴۹ - برای نمونه ر. ک، محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ۱۰ جلد، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۲ ش، باب اصلاحاتی مانند «حرب»، «المحارب» و «الحرس». در این بخش از میزان الحکمه روایاتی که حاکی از استفاده از اصل فریب یا مکر توسط حضرت علی (ع) در جنگ احزاب و مقابله با عمرو بن عبدود است بسیار جالب، آموزنده و کاربردی است.
- ۵۰ - صحیفه سجادیه، پیشین، دعای ۲۷، ص ۲۶۸.
- ۵۱ - همان، ص ۲۶۹.
- ۵۲ - همان، ص ۲۶۳.
- ۵۳ - همان، صص ۲۶۵-۲۶۶.
- ۵۴ - همان، صص ۲۶۲-۲۶۳.
- ۵۵ - همان، ص ۲۶۳.
- ۵۶ - همان.
- ۵۷ - همان.
- ۵۸ - همان.
- ۵۹ - همان، ص ۲۶۵.
- ۶۰ - همان، ص ۲۶۳.
- ۶۱ - همان.
- ۶۲ - همان، ص ۲۶۵.
- ۶۳ - همان.
- ۶۴ - بیماری وبا (holera)، مرضی مسری با علائم اسهال و استفراغ و آبدیابی همراه با دردهای شکمی است که از طریق میکروبی به نام «ویبرل کلره» و به واسطه نوشیدنی‌ها و غذاهای آلوده منتقل می‌شود و همان‌طور که قبلاً گفته شد اشاره حضرت به انتقال این بیماری از طریق آب، خود نوعی اعجاز علمی در آن دوره است که هنوز راه‌های سرایب بیماری از طریق میکروب ناشناخته بود.
- ۶۵ - صحیفه سجادیه، پیشین، دعای ۲۷، ص ۲۶۶.
- ۶۶ - همان.